

تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر جامعه‌پذیری ورزشی

مهدی مختارپور^۱

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی مسائل مربوط به جامعه‌پذیری ورزشی بوده و بحث خود را روی عواملی متمرکز نمودیم که سبب ورود فرد و ادامه فعالیت در عرصه ورزش می‌شود. موضوع تحقیق را اینگونه مطرح نمودیم که با توجه به نقش و اهمیتی که جامعه‌شناسان ورزش برای عوامل جامعه‌پذیری در روی آوردن افراد به ورزش قائلند و نیز اهمیتی که خانواده در فرایند جامعه‌پذیری افراد دارد، ورزش به عنوان یکی از الگوهای رفتاری که تحت تأثیر جریان عمومی جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد چه تأثیری از عوامل جامعه‌پذیری، خصوصاً خانواده می‌پذیرد. این تحقیق با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در مرحله بعد به تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته شد. براساس سوالات تحقیق، نتایج نشان می‌دهد بین میزان ورزشی بودن خانواده، حمایت خانواده از ورزش، نگرش خانواده در مورد ورزش، رسانه‌ها، همسالان با جامعه‌پذیری ورزشی رابطه وجود دارد. از مجموع مطالعات انجام شده این نتیجه به دست آمد که خانواده در فرایند جامعه‌پذیری ورزشی افراد دارای نقش مهمی است.

واژگان کلیدی: خانواده، جامعه‌پذیری، ورزش، رسانه، گروه همسالان

فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک • سال اول • شماره اول • زمستان ۹۸ • صص ۱۳۵-۱۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۶

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(mehdi.mokhtarpour@gmail.com)

مقدمه و بیان مسئله

محققان معتقدند در فرایند ورزشکار شدن افراد علاوه بر خصوصیات فردی و امکانات، عوامل اجتماعی شدن^۱ نیز دخیل هستند. دسترسی به فرصت‌ها و امکانات، داشتن استعداد و توانایی و نفوذ عوامل اجتماعی شدن از جمله نکاتی هستند که در ورزشکار شدن افراد مؤثر هستند. جامعه‌شناسی ورزش نیز تحت تأثیر جریان عمومی جامعه‌شناسی به تعریف اجتماعی شدن و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است «جامعه‌پذیری ورزشی، عبارت از عوامل و شرایطی است که سبب جذب کودکان و نوجوانان به سمت ورزش و تداوم فعالیت آنها در این عرصه می‌شود» (Snyder, 1987: 57). از این رو جامعه‌شناسان در بررسی رفتار کسانی که ورزش می‌کنند به این نکته توجه دارند که ورزش نیز همچون الگوهای رفتاری دیگر تحت تأثیر عوامل جامعه‌پذیری قرار دارد و ورزشکار شدن مستلزم جامعه‌پذیری است.

در میان عوامل مطرح در فرایند ورزشکار شدن افراد، مباحث مربوط به جامعه‌پذیری قربات بیشتری با مباحث جامعه‌شناختی دارد؛ زیرا این بحث کانون توجه بسیاری از مکاتب جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و روان‌شناسی را برای سالیان متمادی به خود اختصاص داده است. از اینرو مطالعات جامعه‌شناختی پیرامون مباحث ورزشی، ورزشکار شدن و به طور کلی جهت‌گیری به سمت ورزش را به عنوان یک الگوی رفتاری در نظر گرفته‌اند که متأثر از عوامل مؤثر بر فرایند کلی اجتماعی شدن است. با وجود تفاوت‌ها و اختلاف نظرهایی که جامعه‌شناسان در مورد فرایند جامعه‌پذیری داشته‌اند، در مورد عوامل مؤثر بر این فرایند، خانواده، رسانه، آموزش و... اتفاق نظر بیشتری وجود دارد. در میان این عوامل نیز خانواده با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در طول زمان از سر گذرانیده، اما هنوز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری مورد توجه قرار دارد. «هم تحقیق و هم تجربه روزانه نشان می‌دهند که بیشتر دوره اجتماعی شدن کودکی، فراورده غیررسمی و غیرعمدی کنش متقابل طبیعی بین والدین و کودک است. چون تجربه دوره کودکی اکنون بطور کلی به

1. socialization

عنوان دوره‌ای که تأثیری قاطع بر شخصیت بزرگسالی و پرورش آن دارد، پذیرفته شده است. خانواده را باید مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن دانست» (مور، ۱۳۷۶: ۳۱). با توجه به نقشی که جامعه‌شناسان ورزش برای عوامل جامعه‌پذیری در روی آوردن افراد به ورزش قائل‌اند و نیز اهمیتی که خانواده در فرایند جامعه‌پذیری افراد دارد، این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع است که ورزش به عنوان یکی از الگوهای رفتاری که تحت تأثیر جریان عمومی جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد چه تأثیری از عوامل جامعه‌پذیری، خصوصاً خانواده می‌پذیرد. در این راستا شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر جامعه‌پذیری ورزشی به عنوان مولفه‌های اصلی می‌تواند نقش به‌سزایی در جهت اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب ورزشی داشته باشد.

امروزه ورزش چنان مرزهای جغرافیایی و عقیدتی را در هم می‌شکند و شور و هیجانی به وجود می‌آورد که تبدیل به زبان جهانی بین ملت‌ها گردیده است، که از این میان می‌توان به رقابت‌های المپیک و جام‌های بین‌المللی فوتبال اشاره نمود. علاوه بر تنوع مخاطبان ورزش در میان مردم، ورزش روابط عمیق و گسترده‌ای با سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی همچون سیاست، اقتصاد، آموزش، رسانه و خانواده دارد. به منظور نشان دادن اثرگذاری ورزش در زندگی اجتماعی به نمونه‌هایی از روابط ورزش و نهادهای اجتماعی اشاره می‌کنیم:

حجم عظیم سرمایه مالی که بصورت دولتی و خصوصی صرف ورزش می‌شود، وابستگی صنعت و تجارت به ورزش بواسطه تولید کالاهای ورزشی و نیز آگهی‌های تبلیغاتی که در حاشیه رویدادهای ورزشی در معرض دید مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد، اشتغال مستقیم و غیرمستقیم هزاران نفر به واسطه مسائل مرتبط با ورزش و... نشان از وجود روابط گسترده بین ورزش و اقتصاد جوامع دارد. ورود روزافزون دولت‌ها به عرصه ورزش با استدلال‌هایی نظیر افزایش سلامت عمومی، افزایش وجهه ملی، کنترل خشونت و... نشان از اهمیت ورزش در عرصه سیاست است. همچنین رفت و آمدهایی که در عرصه‌های مدیریتی از جانب مردان سیاسی به حوزه ورزش و نیز مردان ورزشی به عرصه سیاست گاه صورت می‌پذیرد نیز گواهی بر این مدعاست. در حوزه رسانه نیز وجود رسانه‌های نوشتاری متنوع با موضوع ورزش و نیز برنامه‌های رسانه‌های دیداری و شنیداری مربوط به ورزش چنان گسترده و پر مخاطب است به طوری که از پنج ساعت اخبار در روز یک ساعت

اختصاص به ورزش دارد که خود نشانه‌ای بر اهمیت ورزش در حوزه رسانه است. این موارد بخشی از مسائلی هستند که می‌توانند در تلقی ورزش به عنوان یک پدیده که قابلیت توجه جامعه شناختی دارد مورد استدلال واقع شوند. بنابراین مباحثی که پیرامون ورزش وجود دارند گسترده و متنوع هستند. نکته قابل توجه پیرامون ورزش مربوط به نحوه ورود افراد به دنیای ورزش است. اینکه چگونه عده‌ای از افراد با میل و علاقه وارد این عرصه می‌شوند در حالی که همسالان آنها چنین مسیری را برای خود انتخاب نمی‌کنند. این موضوع را می‌توان ذیل مباحث کلی جامعه پذیری که از مباحث مهم در جامعه شناسی است مورد بررسی قرار داد. از این رو می‌توان با کسب آگاهی از این موضوع که در جریان ورود افراد به دنیای ورزش کدام یک از عوامل جامعه پذیری نقش پررنگ‌تری دارند به تسهیل و تسریع این روند یاری رساند. بنابراین علاوه بر کمبود تحقیق در این زمینه، توجه به این مسئله که خانواده بر حسب تغییر در جایگاه و کارکردهای آن در جامعه امروز در تأثیرگذاری بر جهت‌گیری فرزندان خصوصاً در زمینه ورزش از چه جایگاهی برخوردار است نیز دلیل دیگری برای انجام این تحقیق است. بنابراین تاباندن نوری هر چند ضعیف بر زاویه‌ای تاریک از روابط بین ورزش و دیگر نهادهای اجتماعی از جمله خانواده سبب تلقی انجام این تحقیق بعنوان یک ضرورت گردید.

تاریخچه تحولات اجتماعی ورزش

زمانی که ما درباره تاریخ فکر می‌کنیم، بعضی از ما به تسلسل زمانی حوادثی که همراه هم و به تدریج به بهتر شدن و مدرن شدن جامعه منجر شده‌اند می‌اندیشیم. حتی اصلاحات به کار رفته در بعضی مباحث تاریخی به ما کمک می‌کند تا به این شیوه بیندیشیم. برای مثال، بعضی گزارش‌های تاریخی سرشار از ارجاع به جوامعی هستند که سنتی یا مدرن، ابتدایی یا متمدن، توسعه یافته و توسعه نیافته، صنعتی و غیر صنعتی نامیده شده‌اند.

این اصلاحات تلویحاً اشاره می‌کند که تاریخ در حال حرکت از یک مسیر ویژه است که در آن امور در حال بهبود و مدرن شدن هستند. به عبارت دیگر به تناوب با یک جهت خطی رشد یا بنده معرفی شده است - و معمولاً حرکتی رو به بالا - این رویکرد به تاریخ منجر به این امر شده که بعضی از افراد قادر باشند احساس برتری کنند، زیرا آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مدرن‌تر، متمدن‌تر و توسعه یافته‌ترند. اما در این بحث ما به دنبال بررسی این ادعا در همه ابعاد و جهات آن نیستیم، چون موضوع بحث ما ورزش است می‌خواهیم

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۱۳

حتی الامکان تفاوت‌ها و یا شاید برتری‌های ورزش امروزی را نسبت به دوران ماقبل مدرن یعنی از یونان باستان به این سو بررسی کنیم. بر این اساس هدف ما در این قسمت نشان دادن فرایند رشد و پیشرفت اشکال مختلف ورزش و قضاوت در مورد خوب یا بد بودن هدف، نحوه اجرا و پیامدهای آن در جامعه نیست. بلکه هدف ما نشان دادن شرحی هر چند مختصر از ورزش در دوره‌های مختلف تاریخی است. البته ممکن است از چشم انداز امروزی بسیاری از فعالیت‌ها نشانه وحشیگری، درنده‌خویی و بربریت باشند که با مرور این‌گونه ورزش‌ها تا حدودی به شرایط اجتماعی آن دوران می‌توان پی برد، چراکه ورزش ممکن است الگویی هر چند کوچک از شرایط آن دوران در اختیار ما قرار دهد.

ورزش در ایران باستان

ایرانیان باستان در قرون پیش از اسلام به سبب ویژگی‌های بارز مردم و موقعیت آن در جهان آن روز برای سلامتی و نیرومندی اهمیت وافری قائل بودند. در ایران باستان، برگزاری رقابت‌های ورزشی میان افراد و علاقمندان، باعث تقویت قوای بدنی، ایجاد انگیزه برتری جویی، والاطلبی، حس قدرت و اعتماد به نفس و انتقال شادی و توانایی به دیگران مؤثر بوده است.

نگاره‌های بدست آمده از آثار گوناگون، گویای اهمیت برگزاری این مراسم در میان تمدن‌های پیشین است. نگاره‌های به جا مانده از دوران گذشته ایران که نمونه‌های قدیمی‌تر آن نقاشی‌هایی بر دیوار مناره‌های باستانی (دوشه، هومیان و میرملاس) در کوه‌دشت لرستان و... یافته شده، پویایی و تحرک انسان را به نمایش می‌گذارند. همچنین در دوره‌های متأخرتر آثار به جا مانده گویای این واقعیت هستند که ورزش و آمادگی بدنی از موضوعات مهم زندگی ایرانیان در دوران باستان است. از یادگاری‌های ارزنده برجای مانده از فرهنگ و تمدن ایران که گوشه تاریکی گذشته‌گان را برای ما روشن می‌سازند. نگاره‌های جام ارجان یا ارگان شهر قدیم فارس است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷).

ورزش در یونان باستان

«مسابقاتی که در یونان باستان برگزار می‌شد بر مبنای اعتقادات مذهبی و اساطیری قرار

داشتند. آنها معمولاً با جشن‌هایی که ترکیبی از عبادت و قربانی کردن و اعیاد مذهبی بودند مقارن بودند. رقابت کنندگان در این مسابقات از ثروتمندان و خانواده‌های مورد احترام و سرشناس بودند» (همان: ۵۸). «دو، شنا، شکار، جنگ و جست و خیر، سوار کاری با اسب‌های برهنه، پرتاب سنگ، نیزه، پیاده‌روی طولانی، بازی‌های همراه با توپ، کشتی پانکرشین (ترکیب مشت زنی و کشتی) جزء برنامه‌های ورزشی بودند» (کریمی؛ ۱۳۷۸: ۲۶). «در یونان، گذشته از مسابقات المپیک مسابقات دیگری نیز برگزار می‌شد. آتنی‌ها چهار مسابقه ملی برگزار می‌کردند که به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

- المپیک^۱: معروف‌ترین و مهمترین مسابقات که هر چهار سال یک بار و در فصل تابستان به مدت ۵ روز برگزار می‌شد و از سال ۷۷۶ قبل از میلاد به افتخار زئوس خدای اساطیری یونانیان در المپیا برگزار می‌گردید. قهرمانان اول المپیک به دریافت یک شاخه نخل خرما نائل می‌شدند.

- استیمین یا اسیتا: این مسابقات هر دو سال یک بار برگزار می‌شد. در این مسابقات اسب سواران و موسیقی دانان شرکت می‌کردند. مسابقات قایقرانی نیز به افتخار خدای دریا برگزار می‌شده است. جایزه این مسابقات برگ‌های خشک جعفری بود.

- پی تین: هر چهار سال یکبار به افتخار زئوی در دره نی‌میا برگزار می‌شد و جایزه آن برگ درخت غار بود.

- نی‌مین: هر دو سال یک بار به افتخار زئوس در دره نی‌میا برگزار می‌شد و جایزه آن برگ‌های تازه جعفری بود» (همان: ۹-۲۸).

ورزش در دین اسلام

تربیت بدنی و ورزش یکی از نظام‌های مهم تربیت اسلامی است و از پشتوانه‌های نیرومندی در قران کریم و سنت پاک برخوردار است. چنان که رخداد‌های زندگی اجتماعی، در قبل و بعد از بعثت رسول خدا (ص) و در دوره خلفای راشدین، آکنده از وقایع ورزشی است، و همواره از حمایت و تأیید مردم و پیشوایان و علمای دین برخوردار بوده است تا جایی که «ابن قیم جوزی» در این باره کتاب مستقلی به نام الفروسیه به رشته تحریر درآورده است. فروسیه یا سوار کاری نامی است که ورزش عربی در میان مسلمانان نخستین بدان

1.Olympic

شناخته می‌شد. ایام العرب (حوادث و وقایع و جنگ‌های تازیان) و نیز سروده‌ها و سنت و میراث آنها که نسل به نسل منتقل شده است، بیانگر میزان دلبستگی مسلمانان به ورزش‌های شمشیر بازی و مسابقه اسب سواری و بازی‌ها می‌باشند.

بنابراین در اسلام، بر خلاف برخی ادیان دیگر، هیچ‌گونه تعارض یا اختلافی با ورزش و تفریح وجود نداشته، بلکه در اغلب اعصار اسلامی، بویژه در اعصار شکوفایی آن، ورزش یکی از فعالیت‌های برجسته انسانی و فرهنگی در میان مسلمانان به شمار می‌رفته، و تمامی مؤلفه‌های نظام اجتماعی را در بر داشته است؛ زیرا ورزش در میان غالب مسلمانان پدیده‌ای شناخته، و رایج و پذیرفته شده بود و با تکیه بر تأیید و حمایت پیشوایان و علمای دین اسلام، در سطح گسترده‌ای به اجرا در می‌آمده است. بر خلاف فلسفه یونان باستان که میان عقل و جسم جدایی می‌افکند، اندیشه اسلامی دوگانگی در انسان را نمی‌پذیرد؛ چه، وحدت و یکپارچگی انسان یکی از عناصر تشکیل دهنده نگرش اسلامی است که از جامعیت و کمال برخوردار می‌باشد. از اینجا است که اسلام هیچ‌گاه بعد خاصی از انسان را به زیان بعد دیگرش ترجیح نمی‌دهد و به کاستن از اهمیت و جایگاه بدن فرامی‌خواند. اسلام به انسان هشدار می‌دهد که با وجود توانایی‌ها و مهارت‌ها و مدرکاتی که خداوند در او نهاده نقاط ضعفی نیز دارد.

بنابراین، اندیشه اسلامی انسان را در جایگاه واقعی خود می‌نشانند؛ نه شأن و مقام او را پایین می‌آورد، و نه مانند فیلسوف آلمانی نیچه^۱، که به ابرمرد^۲ فرامی‌خواند، چندان بالاایش می‌برد که بر اریکه غرور و کبر تکیه زند. در دین اسلام تمایل به تفریح یکی از خواست‌های طبیعی بشر دانسته و (برای عامه مردم) مباح شمرده می‌شود. پیامبر اسلام (ص) به اصحاب و یاران خود می‌فرماید: «به تفریح و بازی بپردازید؛ زیرا من دوست ندارم در دین شما سخت‌گیری دیده شود» (میزان الحکمه، ج ۴: ۲۸۰۴، به نقل از حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۸۱). اما مسلمان با تقوا عمر را لطفی از طرف خدا می‌داند، بنابراین در تمام لحظات عمر، اعمال و رفتار خود از جمله کار، استراحت، عبادت، تفریح و... را در مسیر رشد و شکوفایی و کسب رضایت و قرب الهی قرار می‌دهد. از دیدگاه اسلام، عمر و فرصت حیات نعمتی خداوندی است. قرآن کل هستی و تمام جزئیات آن را هدفمند و

-
1. Nietzsche
 2. superman

قانونمند می‌داند و در آیات بسیاری به اهمیت وقت و زمان اشاره شده است: «آیا بر انسان، روزگارانی نگذشت که چیزی در خور گفتن نبود؟» (سوره انسان، آیه ۱). حضرت علی (ع) در توضیح آیه قرانی «در آنچه خدایت ارزانی داشته سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن» (سوره قصص، آیه ۷۷) می‌گوید: «تندرستی، نیرو، آسایش خاطر، جوانی و نشاط را فراموش مکن و با استفاده از این پنج خصلت آخرت را بجوی» (تندنویس، ۱۳۸۳: ۱۳). بر اساس این تفسیر، انسان مسلمان باید هم به جسم و ابعاد جسمانی (کسب سلامت، نشاط، آسایش خاطر و نیرومندی) پردازد و هم به ابعاد روحانی و معنوی (عبادت، خدمت به خلق توجه داشته باشد. ورزش از دیگر اموری است که توصیه شده در اوقات فراغت به آن پرداخته شود. اسلام، ورزش را عامل حفظ نشاط و سلامتی بدن و توجه به سلامتی بدن را وظیفه اولیه هر مسلمانی می‌داند و به اندزه روح به جسم نیز اهمیت می‌دهد؛ تا حدی که علم «ابدان» را هم ردیف با علم «ادیان» برمی‌شمرد. (بحارالانوار، ج ۱: ۲۲۰ به نقل از حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۸۳). امام سوم شیعیان حسین (ع) می‌گوید: «در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی خود بکوشید (تحف العقول: ۲۳۹ به نقل از حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۸۳). در اسلام انواع بازی‌ها و ورزش‌ها (به ویژه دو، تیراندازی، اسب سواری، کوهنوردی و شنا) هم به عنوان تفریح و تأمین سلامتی جسمانی و هم جهت آمادگی برای مبارزات احتمالی توصیه شده است.

مسابقات المپیک

مسابقات ورزشی المپیک که از سال ۷۷۶ پیش از میلاد نخستین دروه آن آغاز شده بود، هر چهار سال یک بار تا سال ۳۹۴ بعد از میلاد ادامه داشت و جمعاً ۲۹۳ دوره آن به طور مرتب برگزار شد که این ۲۹۳ دوره را در تاریخ «المپیک عهد باستان» می‌نامند. المپیک عهد باستان در طول دوره‌های مختلف خود توسعه فراوان یافت، بدین معنی که هر چه از عمر مسابقات می‌گذشت بر تعداد رشته‌های ورزشی و شرکت کنندگان در مسابقات افزوده می‌گشت و اهمیت و اعتبار بیشتری می‌یافت. در سال ۳۹۴ پس از میلاد (زمانی که رومی‌ها یونان را به تصرف خود درآورده بودند)، در حالی که دو سال از دویست و نود و سومین المپیک سپری شده بود، مسابقات المپیک به دستور تئودوسیوس امپراتور روم تحریم و تعطیل شد. این تعطیلی قریب هزار و پانصد سال ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۸۹۶ میلادی با همت و کوشش پیر دو کوبرتن فرانسوی باردیگر برگزاری بازی‌های المپیک از

سر گرفته شد. هر چند در سال‌های ۱۸۹۵ و ۱۸۷۰ نیز دو دوره بازی‌های المپیک در یونان برگزار شد، اما آن دو دوره گرمی و رونق چندانی نداشت و تنها می‌توان از آنها به عنوان تلاش برای احیای بازی‌های المپیک جدید نام برد. به غیر از سه دوره در سال‌های ۱۹۱۶، ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ که جنگ‌های جهانی سبب تعطیلی بازی‌های المپیک شد بقیه دوره‌های مسابقات در سطح بین‌المللی با موفقیت انجام شده است. در سال ۱۹۲۴ المپیک زمستانی نیز به بازی‌های المپیک نوین اضافه شد.

«مظهر المپیک نوین را پنج حلقه رنگین تشکیل می‌دهد که هر یک نمودار یکی از قاره‌های پنج گانه (اروپا، آسیا، آفریقا، استرالیا و آمریکا) است. این پنج حلقه رنگین که به گونه‌ای زنجیر وار به هم پیوسته اند، نمایشگر دوستی و برادری مردم پنج قاره کره زمین در میدان‌های ورزشی بدون توجه به رنگ و نژاد و عقاید مذهبی و سیاسی آنهاست. رنگ حلقه‌ها که به ترتیب از چپ به راست آبی، زرد، سیاه، سبز و قرمز است. بدین جهت انتخاب شده‌اند که حداقل یکی از این رنگ‌ها در ترکیب رنگ‌های پرچم کشورها وجود دارد. شعاری که در مسابقات المپیک نوشته می‌شود به معنی تندتر، بالاتر و قوی‌تر می‌باشد که ریشه لاتین دارد و شعار قهرمانان شرکت‌کننده محسوب می‌شود که سریع‌تر بدوند، بالاتر بپرند و قوی‌تر مبارزه و پیکار کنند» (تقوی نژاد؛ ۱۳۷۵: ۶-۵). در یک جمع بندی کلی از مسابقات یونان می‌توان چنین گفته که «هدف نهایی تربیت بدنی که از جنگ‌های متناوب سرچشمه می‌گرفت، تربیت مرد علم و مردان میدان بود همه شهروندان یونانی به منزله سربازانی بودند که باید در برابر دشمنان از میهن خویش پاسداری می‌کردند و از این رو توانایی بدنی برایشان امری حیاتی و اجتناب ناپذیر بود. با این همه تناسب و زیبایی اندام را نیز باید جزء اهداف تربیت بدنی در یونان به شمار آورد. چه یونانیان به این امر توجه بسیار داشتند و در فعالیت‌های ورزشی و بدنی و در کنار آموختن فنون جنگی برای تناسب و زیبایی اندام می‌کوشیدند و از این نظر سرآمد همه جوامع آن روزگار بودند. اگر بربرها از لحاظ طول قامت از آنان برتر بودند و اگر رومی‌ها از نظر داشتن عضلات و ماهیچه‌های ورزیده بر آنان برتری داشتند، یونانی‌ها نیز از نظر تناسب و زیبایی اندام از همه برتر و به این ویژه گی و امتیاز شهره بودند. «هومر در ایلید با دقت و توجهی خاص از بازی‌هایی که در مراسم درگذشت پاترکلوس^۱ دوست و همدم آشیل به خاطر بزرگداشت و جاویدان نگاه

1. Patroclus

داشتن خاطره وی انجام گرفته است سخن می گوید. سوگواری‌ها و ضیافت‌ها و قربانی کردن انسان و حیوانات برای دوست آشیل، آیین برگزاری بازی‌ها و مسابقات ورزشی را در مراسم ترحیم مردگان بنیان نهاد» (همان: ۳۴-۳۳).

ورزش مدرن

برای ورزش مدرن ویژگی‌های متعددی مطرح کرده‌اند که هر کدام به نوبه خود می‌تواند نوری بر این جنبه از ورزش بتاباند و در حد امکان به شناخت این پدیده اجتماعی که از نیمه قرن بیستم به شکلی که امروز شاهد آن هستیم کمک کند. اما در این میان برخی ویژگی‌هایی برای ورزش مدرن مطرح شده‌اند که از آنها به عنوان ویژگی‌های جامعه مدرن در حالت کلی نیز از آنها یاد می‌شود. این خصوصیات به شرح ذیل می‌باشند:

۱. سکولاریزم^۱: ورزش‌های مدرن نه تنها مستقیماً به اعتقادات و مناسک مذهبی ارتباط پیدا نمی‌کنند و ابزار پرستش خداوند محسوب نمی‌گردند بلکه وسیله‌ای برای تفریح و سرگرمی به حساب می‌آیند. این ورزش‌ها بیش از اینکه برای رضای خدا انجام شوند برای کسب اهداف شخصی انجام می‌شوند. ورزش‌های مدرن با وجود اینکه بسیاری ممکن است آن را به عنوان بخش مهمی از زندگی تعریف کنند اما جزئی از یک امر مقدس محسوب نمی‌شود.

۲. برابری^۲: ورزش‌های مدرن براساس این ایده شکل گرفته‌اند که مشارکت ورزشی نباید توسط زمینه‌های اجتماعی قومی، نژادی و غیره محدود گردد. بدین صورت که هر کسی می‌تواند رقابت ورزشی را صرف نظر از اینکه چه کسی است و از کجا آمده شروع کند.

۳. تخصصی شدن^۳: ورزش مدرن تحت سیطره ورزشکاران متخصص و حرفه‌ای و طرفداران حرفه‌ای می‌باشد. ورزشکاران یک رشته بطور کامل خودشان را وقف یادگیری اصول و ظرایف آن رشته می‌نمایند تا به بالاترین موقعیت ورزشی نائل آیند. بطور مثال یک ژیمناست خوب باید از دوران کودکی به این رشته روی بیاورد و به عبارتی قسمت اعظم زندگی اش را وقف آن نماید.

1. secularism
2. equation
3. specialization

۴. عقلانی شدن: ورزش‌های مدرن شامل مجموعه پیچیده‌ای از قواعد و مقررات و استراتژی‌ها می‌باشند. قواعد ورزشی هر رشته خاص مشخص کننده اهداف آن رشته ورزشی و ابزارهای مورد نیاز برای رسیدن به آن اهداف است. این قواعد همچنین وسائل مورد نیاز برای انجام یک رشته خاص تکنیک‌های مورد نیاز آن رشته و شرایط شرکت در رقابت را نیز مشخص می‌کند.

۵. بوروکراتیزه شدن: ورزش‌های مدرن به وسیله سازمان‌های پیچیده محلی، ملی، و بین‌المللی کنترل می‌شوند. افراد در این سازمان‌ها ناظر عملکرد ورزشکاران و تیم‌های ورزشی می‌باشند. این سازمان‌ها قواعدی را وضع می‌کنند و به منظور رعایت این قوانین شرائطی را نیز مشخص می‌کنند. کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون بین‌المللی فوتبال و... نمونه‌هایی از سازمان‌های فوق هستند.

۶. کمی شدن: ورزش‌های مدرن غرق در سنجش و آمارند. هر چیزی که قابلیت تقلیل به زمان و فاصله و نمره را داشته باشد سنجیده و ثبت می‌شود. استانداردها و معیارهای موفقیت بطور آشکار بر حسب شرایط سنجش پذیر تعیین می‌گردد و همچنین به منظور تأیید یک موفقیت ورزشی از آمار استفاده می‌شود.

۷. ثبت رکورد: در ورزش مدرن بر کسب رکورد و بهبود آن تأکید فراوان می‌شود» (همان: ۶۷).

اگرچه نشانه‌هایی از توسعه شکل‌های ورزش قاعده مند در ابتدای قرن ۱۶ در انگلستان دیده می‌شود، اما شواهد بعدی حکایت از عدم توسعه چنین نوعی از ورزش دارد. توسعه ابتدایی ورزش مدرن فرایندی است که بعداً به وقوع پیوست. این فرایند در دو مرحله شکل گرفت: مرحله اول در قرن هجدهم زمانی که اشراف و زمینداران حاکم بودند و مرحله دیگر قرن نوزدهم یعنی زمانی که اعضای گروه‌های بورژوا بر طبقات زمین‌دار فائق شدند. شواهد همچنین نشان می‌دهد این فرایند یکی از کارکردهای توسعه اجتماعی گسترده‌تر، خصوصاً شکل‌گیری دولت در انگلیس و نیز فرایند متمدن شدن که از جمله مشخصات این شکل از توسعه است. در قرن نوزدهم اشکال متمدن تر شده بوکس، شکار روباه و مسابقات اسب دوانی و کریکت بوجود آمد. فراتر از این‌ها مسابقاتی از قبیل فوتبال، راگبی، هاکی و تنیس نیز در قرن نوزدهم به وجود آمد (Denning: 1999:539).

1. Rationalization

نوربرت الیاس از جمله جامعه شناسانی است که در بررسی جامعه شناختی اش تحت عنوان فرایند متمدن شدن تغییر رفتارهای خشونی به رفتار متمدانه را بررسی کرده است و در زمینه ورزش نیز تبیین‌های مشابهی ارائه کرده است. مطالعات او نشان می‌دهد ورزش از فعالیت بدنی خشونی و درگیرانه به سمت رقابت‌هایی قاعده مند تحول پیدا کرده است. «مطالعات درباره تمدن آداب و رسوم به الیاس اجازه می‌دهد که تغییر شکل بازی‌ها به ورزش‌ها را در فرایند عمومی تر صلح آمیز شدن زندگی اجتماعی ملاحظه کند. به نظر الیاس به موازات تکوین دولت-ملت‌های مدرن که در آنها استفاده از خشونت در انحصار نهادهای نظامی و انتظامی (ارتش و پلیس) است و اختلاف میان ملت‌ها باید بدون توسل به خشونت حل و فصل گردد روابط اجتماعی و نهایتاً زندگی اجتماعی صلح آمیز تر می‌شود. پیچیده شدن تقسیم کار نقش مهمی در فرایند متمدن سازی آداب و رسوم با افزایش روابط کارکردی میان گروه‌ها و طولانی‌تر کردن زنجیرهای وابستگی متقابل ایفا می‌کند. سپس، الیاس به تبیین شرایط خاصی که در انگلستان وجود داشت می‌پردازد. نخستین کشوری که زندگی سیاسی در آن صورت پارلمانی پیدا می‌کند و اجازه جا به جایی قدرت میان دو حزب رقیب را بدون توسل به خشونت می‌دهد. بدین ترتیب او امکان می‌دهد که بفهمیم چرا ورزش‌ها دقیقاً در این کشور در فاصله قرن هجدهم و نوزدهم شکل می‌گیرند» (دوفرانس، ۱۳۵۸: ۲۰-۱۹).

تاریخچه جامعه پذیری

گرچه واژه جامعه پذیری تنها مربوط به چند دهه گذشته می‌شود، اما مفهوم آن به همان روزی بر می‌گردد که بشر پا به کره زمین گذاشت. انسان‌های اولیه و غارنشین، چنان از پس وظایف تربیتی، آموزشی و انتقال تجربیات خود بر نسل دیگر بر می‌آمدند که گویی افراد بشر در هر دوره تاریخی بدون گذر از مسیر اجتماعی شدن قادر به ادامه حیات خود نبوده است. در گذشته؛ پیوند اصیل و ذاتی فرزندان و والدین را با هم یکی می‌کرد. محافل خانوادگی و فامیلی، اماکن عمومی و ... محل مشترکی بود که همه افراد جامعه در آن مراحل جامعه پذیری خود را طی می‌کردند. در این زمان به محض آن که کودک می‌توانست بدون کمک و مراقبت والدین خود به زندگی ادامه دهد، به جامعه بزرگتر تعلق

1. Civilizing Process

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۲۱

می‌گرفت. با گذشت قرن‌ها و تغییر نسل، امروزه جوامع جدید با ماهیتی متفاوت از گذشته همچنان به دنبال جامعه‌پذیری نسل‌های بعد از خود هستند. این مسئولیت در جوامع جدید تنها بر دوش خانواده نیست بلکه عوامل دیگری چون مدرسه، رسانه‌ها و... نیز در این امر دخیل هستند. در دنیای معاصر، کودک در معرض توجه خانواده هسته‌ای مدرن قرار دارد. نظام‌های تعلیم و تربیت، اندیشمندان روانشناس و جامعه‌شناس به دنبال دستیابی به شیوه‌ای از تعلیم و تربیت هستند که در کنار آموزش مفاهیم انتزاعی، جامعه‌پذیری به شکل عمقی در فرزندان ایجاد و درونی شود. از این رو امروزه کارشناسان مسائل تعلیم و تربیت یکی از کارکردهای عمومی نهاد خانواده را اجتماعی کردن یا همان جامعه‌پذیری افراد جامعه می‌دانند.

تعریف جامعه‌پذیری

اصطلاح socialization با عباراتی همچون اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری ترجمه شده است که در این تحقیق دو عبارت را معادل هم در ترجمه اصطلاح ذکر شده بکار خواهیم برد. از نظر آنتونی گیدنز، «اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن فرد به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده است تبدیل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۷). جامعه‌پذیری «فرایند تأثیر متقابل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را می‌رساند که نتیجه آن پذیرش مدل‌های رفتار اجتماعی در آن محیط و پیدایی نوعی انطباق بین فرد و جامعه است. در این معنا، جامعه‌پذیری فرایندی است روانی-اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی تشکیل می‌یابد» (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۶۳). اجتماعی شدن به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن امری مستمر و به اعتباری مادام‌العمر است.

از دیدگاه فرد اجتماعی شدن فراگردی است که طی آن به کسب هویت نائل و با

پذیرفتن ارزش‌ها، هنجارها، آرمان‌ها و شیوه‌های زندگی، تحت شرایط مطلوب، قادر به تحقق استعدادهای بالقوه خود می‌شود. اگر جریان اجتماعی شدن با موانعی مواجه شود به محدودیت رشد فردی می‌انجامد. به هر حال برای فرد اجتماعی شدن شرطی اجتناب‌ناپذیر در امر خود آگاهی و تشکیل هویت محسوب می‌شود. از این رو اجتماعی شدن شامل دو فراگرد مکمل است: انتقال میراث اجتماعی و فرهنگی و رشد شخصیت. مطالعه فراگرد اجتماعی شدن به قلمرو جامعه‌شناسی محدود نیست. در میان رشته‌هایی که به این موضوع می‌پردازند، علاوه بر جامعه‌شناسی از انسان‌شناسی، زیست‌شناسی و روان‌شناسی هم می‌توان نام برد. هر یک از این رشته‌ها، از دیدگاه‌های متفاوتی به فراگرد اجتماعی شدن می‌نگرند. چون تلفیق و ترکیب این نقطه نظرها کار مشکلی است. به طور کلی، انسان‌شناسان در امر اجتماعی شدن بر نقش فرهنگ تاکید می‌کند، روان‌شناسان بر رشد و مشروط شدن ادراک و یادگیری از راه کنش‌های متقابل با رفتار دیگران تاکید می‌ورزند و جامعه‌شناسان به مطالعه فراگردهای تاثیرات اجتماعی و اثرات نهادها توجه دارند. این برداشت‌های متفاوت به چندگانگی ابعاد فراگرد اجتماعی شدن گواهی می‌دهند (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۷۲ و ۷۳).

در دیدگاه جامعه‌شناسان جامعه‌پذیری روندی است که فرد برای زندگی گروهی آماده می‌شود و نقش اساسی در شکل‌گیری رفتارهای فرد دارد. در اینجا تاکید بر این است که این موضوع درک شود که افراد چگونه آموزش می‌بینند تا انتظارات هنجاری و نقش گروهی متعلق به خود را بپذیرند. این دیدگاه بر موقعیت اجتماعی جامعه‌پذیری تاکید دارد که افراد به وسیله آن، خود را با ساختارهای هنجاری جامعه انطباق دهند. به هر حال تلقی برخی برخی از جامعه‌شناسان از مفهوم جامعه‌پذیری نوعی هم‌سازی است. برخی دیگر جامعه‌پذیری را فرایند انتقال فرهنگ و الگوهای فرهنگی معرفی نموده‌اند؛ یعنی جوامع انسانی برای ایجاد وحدت و همبستگی جامعه خود، بر یک سلسله از ارزش‌ها، هنجارها و نمادها توافق می‌کنند و این فرهنگ را به شکل الگوهای فرهنگی به نسل جدید منتقل می‌کنند. تعدادی دیگر جامعه‌پذیری را به عنوان کارکرد جامعه در حفظ خویش معرفی نموده‌اند که نظام حاکم از طریق انتقال فرهنگ به نسل جدید، به وظیفه حفظ و تداوم خویش اقدام می‌کند. به عبارت بهتر می‌توان گفت جامعه‌پذیری امری مبنایی است، یعنی فرایند جامعه‌پذیری در یک جامعه و فرهنگ خاص آن است. «جامعه‌پذیری عاملی برای

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۲۳

انتقال فرهنگ از نسلی به نسل جدید است و همین حرکت به ثبات و دوام جوامع و نظام حاکم کمک می‌کند، و در یک کلام آنکه جامعه‌پذیری فرایند انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به فرد است» (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۰۲ و ۱۰۳).

جامعه‌پذیری، جریانی است که طی آن افراد یک نسل با ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ جامعه خود آشنا می‌شوند و آنها را درونی می‌کنند. فرایندی است که به وسیله آن یک فرد می‌آموزد که از طریق فراگرفتن رفتاری اجتماعی که مورد تایید گروه باشد، خود را با آن گروه انطباق دهد. پارسنز در مورد مفهوم اجتماعی شدن معتقد است که در کانون اصلی فرایند اجتماعی شدن، نهادی شدن فرهنگ جامعه‌ای است که کودک در آن متولد می‌شود و اشاره می‌کند که جنبه‌های قاطع فرهنگ برای این منظور الگوهای ارزش جامعه‌اند و شرایط مؤثر برای اجتماعی شدن قرار گرفتن در وضعی اجتماعی است که خود اشخاص قدرتمندتر و مسئول‌تر در نظام ارزش فرهنگی مورد بحث در آن ادغام می‌شوند. هم از این لحاظ که همراه با نظام اجتماعی نهادی شده‌ای را تشکیل می‌دهند و هم از این نظر که الگوها قبلاً به شیوه‌های مناسب در شخصیت خود آنها نهادی شده است (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۱۰). از دیدگاه جامعه‌شناسی، جامعه‌پذیری روندی است که طی آن انسان، اجتماعی شدن را می‌آموزد. از این رو، می‌توان جامعه‌پذیری را مترادف فراگیری دانست، زیرا انسان به‌ویژه دوران کودکی و نوجوانی را در حال فراگیری می‌گذراند. هنگامی که صحبت از فراگیری می‌شود به یاد تعلیم و تربیت می‌افتیم، در حالی که منظور از جامعه‌پذیری وسیع‌تر از آن است؛ تعلیم و تربیت مرحله‌ای است که آگاهانه و هدفمند برنامه‌ریزی می‌شود و قصد آن تغییر رفتار آدمی به‌طور دلخواه است، حال آنکه جامعه‌پذیری، هم برنامه‌ریزی‌های خودآگاهانه و هم جریانات ناخودآگاهانه را دربرمی‌گیرد (مرادزاده، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۲). اصطلاح اجتماعی شدن، عموماً در ارتباط با کودکان به کار برده می‌شود. اما این فرایند در واقع عام است و به همین لحاظ بر بزرگسالان نیز قابل اطلاق است. شخص ممکن است در هر سنی با گروه‌های تازه آشنا شود و ارزش‌های آنها را کسب کند. به بیان دیگر، جامعه‌پذیری در تمام طول عمر افراد ادامه دارد و هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. از این رو، عوامل و فرایندهای جامعه‌پذیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

جامعه‌پذیری را می‌توان از دو دیدگاه عینی و ذهنی مورد توجه قرار داد. از لحاظ

عینی (از نظر جامعه و تأثیر آن بر فرد) جامعه پذیری فرایندی است که به موجب آن جامعه فرهنگش را از یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌دهد و فرد را با شیوه‌های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان یافته اجتماعی سازگار می‌کند. بنابراین، کارکرد جامعه پذیری این است که استعداد و انضباط‌هایی را که فرد به آنها نیاز دارد پرورش دهد، نظام ارزش‌ها، آرمانها و انتظارات زندگی جاری جامعه‌ای خاص را به فرد منتقل می‌کند و به خصوص، نقش‌های اجتماعی‌ای را که باید ایفا کند آموزش دهد. از لحاظ ذهنی (از نظر فرد و پاسخ آن به جامعه) جامعه‌پذیری فرایندی است برای شکوفا کردن استعدادهای بالقوه، فراهم آوردن امکانات رشد و شخصیت و تبدیل فرد به شخص (فرد اجتماعی) و در نتیجه برقراری رشد شخصیت و آموزش نقش‌ها و منش‌ها، به وجود آوردن خواسته‌ها و برآوردن نیازها و دستیابی به تجربه‌های اجتماعی (نیک گهر، ۲۱۶۹: ۴۷).

شیوه‌های جامعه‌پذیری

در بررسی‌های مربوط به جامعه‌پذیری، محققان به شیوه‌های مختلفی اشاره داشته‌اند. در این میان آنچه حائز اهمیت است توجه به نگاهی است که هر نظریه و پیروان آن نسبت به نقش فرد جامعه‌پذیر شونده دارد. به عبارت دیگر نگاه کلی به جایگاه فرد در نظام اجتماعی تا حد زیادی تعیین کننده رویکردها به اجتماعی شدن است. مکاتبی که به دنبال توجیه این مسأله هستند که نظم نهادی در جامعه نتیجه اعمال تنظیمات متنوع از سوی نهادهای جامعه است؛ نتیجه چنین دیدگاهی تابع دیدن فرد و بی توجهی به اراده او در بروز و ظهور کنش‌های مختلف او خواهد بود. از طرفی دیدگاه‌هایی وجود دارند که معتقدند کنش‌های افراد سراسر ملهم از اراده و خواسته‌های افراد هستند و هر آنچه در جامعه هست در نتیجه اعمال ارادی و خلاقانه کنشگران بوجود آمده است. انتقادی که بر هر دوی این دیدگاه‌ها وارد است، نادیده گرفتن ابعاد مثبتی از نظریه رقیب است. به عنوان مثال نظریه‌هایی که جامعه‌پذیری را بر مبنای مدل درونی سازی صورت‌بندی کرده‌اند برای کسانی که اجتماعی می‌شود قائل به دخالت اراده و تمایل آنها در فرایند جامعه‌پذیری نیستند. همچنین دیدگاه‌هایی که جامعه‌پذیری را صرفاً ناشی از تفسیر و اراده کنشگران در فراگیری الگوهای رفتاری می‌دانند با ضعف ناشی از نادیده گرفتن ساختارهای موجود در جامعه مواجه هستند. از این رو برای داشتن درک درست از شیوه‌هایی که افراد جامعه

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۲۵

پذیر می‌شوند، توجه به استفاده از نکات مثبت هر دو رویکرد سودمند خواهد بود. «اجتماعی شدن از سه طریق عمده یعنی تقلید، آموزش و انگیزش در سراسر زندگی فرد عمل می‌کنند (راش، ۱۳۷۷: ۱۱۶).

عوامل مؤثر در فرایند جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری از طریق نهادها، عوامل و سازوکارهای متفاوتی صورت می‌گیرد. گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آنها روی می‌دهد تحت عنوان عوامل جامعه‌پذیری شناخته شده‌اند (گیدنز؛ ۱۳۷۷: ۸۴). هر جامعه‌ای باید شیوه‌هایی برای اجتماعی کردن افراد و یگانگی بوجود آورد. بنابراین همیشه نهادهایی وجود خواهند داشت که این کار را انجام دهند. نهادهای اجتماعی از کودکی در کار اجتماعی کردن افراد درگیر هستند و در طول زندگی نیز با شدت و ضعف این کار را ادامه می‌دهند. استمرار در کار جامعه‌پذیری سبب گردیده جوامع نهادهایی را برای انجام این مهم در نظر بگیرند. نهادهایی مانند خانواده مدرسه، آموزش و مذهب. بررسی‌های جامعه‌شناختی که حول محور عوامل جامعه‌پذیری صورت گرفته در تقسیم‌بندی‌های خود این نهادها را به دو دسته نهادهای رسمی و غیررسمی تقسیم کرده‌اند. مدرسه یک عامل رسمی جامعه‌پذیری است. خانواده، همسالان و همسایگان از جمله بستریهایی هستند که جامعه‌پذیری در آنها به صورت غیر رسمی تحقق می‌یابد. نهادهایی چون خانواده، مذهب و مدرسه در فرایند جامعه‌پذیری از نوعی موقعیت بالا دست برخوردار هستند. به عبارت دیگر این نهادها از نوعی اقتدار برخوردار هستند که می‌تواند آن را در جریان جامعه‌پذیری اعمال کنند. اما همسالان، رسانه‌ها و... در موقعیتی همسان با فرد جامعه‌پذیر شونده قرار دارند. بنابراین می‌توان در بررسی‌های مربوط به جامعه‌پذیری و تقسیم‌بندی‌هایی که پیرامون موضوع عوامل جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد به آن توجه نمود. لازم به ذکر است که جامعه‌پذیری یک فرایند است و در این فرایند برخی از عوامل در سنین ابتدایی زندگی فرد و برخی در مراحل بعدی اهمیت دارند. بدین معنی که میزان تأثیرگذاری آنها در زمان متفاوت است. بنابراین در بررسی‌های مربوط به عوامل جامعه‌پذیری برجسته بودن یک یا چند عامل به منزله کنار گذاشتن سایر عوامل نیست، بلکه در دوره‌ها و شرایط مختلف هر کدام از این عوامل برجستگی‌های خاص خود را دارا هستند.

نظریه‌ها در زمینه ورزش

جامعه‌شناسان در تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی بر اساس نظریه‌های مختلف اجتماعی و همچنین بر اساس فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی جوامع مختلف عمل می‌کنند. در تبیین ورزش و فعالیت‌های ورزشی در جامعه می‌توان از دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی استفاده کرد. برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی مانند سایر پدیده‌های اجتماعی بیش از یک نظریه یا دیدگاه کلی مبتنی است. برنامه‌ریزان، مربیان، معلمان و مدیران ورزشی نمی‌توانند در فعالیت‌های آموزشی یا برنامه‌های اجرایی خود تنها از یک دیدگاه یا نظریه خاص استفاده کرده و یا تاکید ورزش و نسبت به آنها تعصب نشان دهند، بلکه باید بر همه نظریه‌ها آگاهی پیدا کرده و افکار، عقاید و نظریه‌های درست و معقول در سیستم‌های گوناگون را با توجه به شرایط و مقتضیات فرهنگی و اجتماعی محیط خود به کار ببندد. منظور از بحث و بررسی پیرامون نظریه‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در ورزش این است که ببینیم:

- هر یک از دیدگاه‌ها و نظریه‌ها مسائل و موضوعات ورزش را چگونه تجزیه و تحلیل می‌کنند.
- چه برداشتی درباره هر یک از انواع نظریه‌های ورزشی وجود دارد.
- چه راه‌ها و روش‌هایی به منظور سودمندبخش کردن فعالیت‌های جوانان ورزشکار و سایر نیروهای انسانی در عرصه ورزش پیشنهاد می‌شود.
- مفاهیم و واژه‌های اساسی و کلیدی در ورزش چگونه تجزیه و تحلیل می‌شوند (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹: ۹۹).

کارکردگرایی و جامعه‌شناسی ورزش

موضوع جامعه‌پذیری از دیدگاه کارکردگرایی نیز مورد بررسی قرار گرفته و در واقع یکی از مباحث محوری در تحلیل‌های این دیدگاه است. در رویکرد کارکردگرایی، جامعه‌پذیری نوعی فعالیت است که بواسطه آن جامعه خود را استوار و دائمی می‌سازد و می‌تواند از تعادل و ثبات برخوردار گردد. جامعه‌پذیری از دیدگاه کارکردگرایی همان کنترل درونی است که براساس آن، ارزش‌ها، هنجارها، و ایستارهای اجتماعی در یک نظام اجتماعی، ملکه ذهن کنشگران می‌گردند. رویکرد کل‌گرای کارکردگرایی در آغاز

برای جهت دهی جامعه شناسان ورزش برای ملاحظه ورزش به عنوان یک نهاد اجتماعی و مشاهده ارتباط و پیوستگی ورزش و جامعه و انعکاس جامعه کلی در ورزش مفید بود. در حالی که نسل دوم جامعه شناسان ورزش از تز ورزش به عنوان آئینه جامعه دست کشیدند، اما اهمیت ورزش به عنوان حوزه نهادی زندگی روزمره همچنان اهمیت خود را حفظ کرد. تحلیل‌های روشن کارکردگرایانه از ورزش در جامعه همچنان در نوشته‌های هری ادواردز، کلینی هینلیا، گونتر لوشن و... دیده می‌شود. در میان این جامعه شناسان، لوشن جامعه‌شناس آلمانی که مدت زمان طولانی ساکن آمریکا بود، مؤثرترین فرد در پروراندن چارچوب کارکردگرایی در جامعه‌شناسی ورزش بود. اولین نوشته عمده‌ای که لوشن در چشم اندازی پارسونزی از جامعه‌شناسی ورزش ارائه داد (وابستگی‌های متقابل ورزش و فرهنگ) در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. در این مقاله لوشن ورزش را به عنوان یک نظام کنش در نظر گرفت، کارکردها و پویایی‌های ورزش در فرهنگ و جامعه را مورد بحث قرار داد و درباره ورزش و تحول فرهنگی تأمل کرد. طبق نظر لوشن در فرهنگ‌های اولیه کارکرد ورزش اغلب حول مذهب، جمع محور و برای تربیت و فراگیری مهارت‌های مرتبط با بزرگسالی و آمادگی جنگی بود، در حالی که کارکردهای ورزش مدرن ممکن است بطور ویژه برای حفظ الگو و برقراری همبستگی اجتماعی در نظر گرفته شوند. ۱۵ سال بعد، لوشن یک تجزیه و تحلیل ساختاری از ورزش مبتنی بر نظام‌های داخلی و خارجی ورزش ارائه داد. او بر تحلیل مفهوم سازی‌های ساختار نظام ورزش به عنوان الگوی ساختاری بنیادی انسان و هستی اجتماعی تأکید کرد. اخیراً نیز لوشن مدعی نوعی ساختارگرایی به عنوان برنامه‌ای برای تحلیل ورزش در جامعه شده است.

کریستوفر استیوسون و مشاورش جان نیکسون تحلیلی از کارکردهای ورزش ارائه

داده‌اند. آنها پنج کارکرد اساسی ورزش در سطح اجتماعی را مشخص کرده‌اند:

۱. کارکرد اجتماعی-احساسی، که در آن ورزش به حفظ ثبات روان‌شناختی کمک می‌کند.
۲. جامعه‌پذیری، که در آن ورزش به تلقین اعتقادات و اخلاقیات کمک می‌کند.
۳. کارکرد همبستگی، که در آن ورزش به انسجام و هماهنگی افراد و گروه‌های پراکنده کمک می‌کند.

۴. کارکرد سیاسی، که در آن ورزش برای مقاصد سیاسی و ایدئولوژیکی به کار برده می‌شود.

۵. کارکرد تحرک اجتماعی، ورزش به عنوان منبعی برای تحرک عمودی عمل می‌کند» (Coakley, 2001: 17).

به نظر کارکردگرایان، ورزش نهادی است که ارزش‌ها و هنجارها را به شرکت‌کنندگان منتقل می‌کند و بدین گونه به هماهنگی ساختن جامعه کمک می‌کند. از این جهت ورزش، کارکردی مشابه خانواده دارد. کارکردگرایان همچنین معتقد بودند که مناسک ورزشی و شرکت در بازی‌ها، افراد جامعه را وادار می‌دارد که از آن بعنوان الگویی در تولیدات صنعتی استفاده کنند. اما کارکردگرایان مؤخر برانند که مناسک ورزشی، بازیکنان، و نیز تماشاگران، اعم از پیر و جوان را تشویق می‌کنند تا این سبک مناسک را بپذیرند (مجدالدین؛ ۱۳۸۱: ۷۴). کارکردگرایان معتقد به تز انعکاسی در مورد ورزش می‌باشند، چرا که معتقدند ورزش عالم صغیر و آینه جامعه است. «مرتون در تحلیل کلاسیک از ساختار و انومی اجتماعی از ورزش به منظور تبیین این موضوع استفاده می‌نماید که چطور قواعد و هنجارهای اجتماعی، زمانی که مردم می‌کوشند برای رسیدن به اهداف فرهنگی والا نظیر موفق شدن و برنده شدن از کاراترین وسایل ممکن استفاده نمایند، نادیده گرفته می‌شوند و تضعیف می‌گردند. مرتون به منظور توضیح مسأله فوق از اصطلاح انومی (بی‌هنجاری) استفاده می‌نماید. از نظر وی بی‌هنجاری زمانی به وجود می‌آید که هنجارهای اجتماعی ضعیف و یا ناپایدار و مبهم گردند. به باور وی هنگامی که چنین شرایطی در ورزش وجود داشته باشند، مردم به استفاده از ابزارهای غیرمشروع تقلب کردن، ترغیب می‌شوند تا به هدف شان که همان کسب پیروزی است دست یابند. مرتون معتقد است این نوع رفتار کجروانه هم عرض با شرایط بی‌هنجاری در بیرون از حوزه ورزش به وجود می‌آید» (جیمز و هوارد ۱۹۶۶ به نقل از غلامی ۱۳۸۱).

علاوه بر آن کارکردگرایان بر این باورند که به دنبال افول نفوذ مذهب در دنیای مدرن، ورزش توانسته است به عنوان نهادی شبه مذهبی از طریق ایجاد ارزش‌های مشترک و تقویت آن در بین اعضای مختلف سبب خلق وحدت و یکپارچگی گردد. این نظریه ارزش‌آزمون مجدد در جامعه شناسی ورزش را دارد. به ویژه در مورد مطالعاتی که تمرکزشان بر ورزش بعنوان عامل همبستگی اجتماعی یا پایگاهی برای تضاد اجتماعی قرار

دارد قابل کاربرد است. در مجموع می‌توان گفت که کارکرد گرایان موارد زیر را به عنوان کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند: ۱. کسب مهارت‌های اجتماعی، ۲. دسترسی به فرصت‌های تحصیلی، حرفه‌ای و...، ۳. شکل‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی، ۴. کنترل اجتماعی، ۵. رهایی از تنش‌ها، ۶. تندرستی جسمانی، ۷. ترویج وفاداری ملی، ۸. جامعه‌پذیری و همنوایی و ۹. اتحاد اجتماعی افراد در زمینه‌های اجتماعی. به طور کلی کارکردگرایان بیش از اینکه نسبت به ورزش با دید منفی نگاه کنند، دارای نگرشی مثبت به آن هستند، زیرا معتقدند در پرتو توجه به گسترش ورزش در جامعه، ثبات و یکپارچگی اجتماعی که یکی از کانون‌های اصلی توجه این نظریه است محقق می‌شود.

نظریه کنش متقابل نمادین

نظریه کنش متقابل نمادین در زندگی اجتماعی توسط جامعه‌شناسان آمریکایی از جمله چارلز هورتون، کولی، جرج هربرت مید، هربرت بلومر، اروینگ گافمن و گریگوری استون توسعه یافته است. این نظریه برای آن دسته از محققانی که می‌خواهند بر روی شخصیت و تعیین هویت افراد و ارتباطات اجتماعی در ورزش مطالعه کنند بسیار سودمند است. پیش فرض‌های اساسی این دیدگاه عبارتند از:

۱. ارتباطات میان افراد و رفتارهای انسان بستگی به نهادهای معناداری دارد که زمینه همکاری بین مردم را ایجاد می‌کند. یک نماد به این دلیل معنی دارد که در یک گروه مشترک معانی را بین افراد گروه منتقل می‌کند.
۲. با توجه به اهمیت معانی منتقل شده توسط نمادهای معنی دار در کنش متقابل، همکاری تنها در صورتی امکان پذیر است که افراد تقریباً همان معانی را مورد توجه قرار دهند یا تعاریفی از موقعیت داشته باشند و کنش‌های دیگران را از طریق قرار دادن خود به جای آنان درک کرده و بر طبق آن عمل کنند.
۳. معانی ممکن است از طریق اصلاح مجدد تعریف شوند. در جوامع توسعه یافته معانی ممکن است توسط خرده گروه‌ها به طور متفاوت

درک شود. معانی ممکن است در حالت انتقالی قرار داشته باشند و به دلیل دگرگونی‌های سریع اجتماعی نیاز به بازنگری و بررسی مجدد داشته باشند. تعریف مجدد از طریق کنش متقابل اجتماعی صورت می‌پذیرد.

۴. در سطح فردی، معانی از طریق یک فرایند انعکاسی تبیین می‌شوند. این فرایند شامل کلیه موضوعات کنش‌هایی است که توسط فرد درک می‌شوند و تعریف وضعیت نامیده می‌شوند.

۵. کسب معانی و توانایی دست‌یابی به اندیشه‌های انعکاسی، نه تنها محیط اجتماعی بلکه معانی و تعاملات مربوط به خود را نیز شامل می‌شود. (ریس و میراسل ۱۹۸۹ به نقل از نادریان جهرمی: ۱۳۸۹: ۱۱۲)

بنابراین هدف عمده کنش متقابل نمادی بر فرایند ایجاد، تعریف و انجام کنش‌های افراد تأکید دارد. هنگامی که محققان و طرفداران نظریه کنش متقابل نمادی به مطالعه و تحقیق در تربیت بدنی و ورزش می‌پردازند غالباً بر این موضوع تأکید می‌کنند که چگونه افراد معانی و مفاهیم را توسعه می‌دهند و نحوه مشارکت آنها در ورزش به چه شکل است. «انسان‌ها تنها یک استعداد کلی برای تفکر دارند. این استعداد باید در فراگرد کنش متقابل اجتماعی شکل‌گیرد و تهذیب شود. این نظر نظریه پردازان کنش متقابل نمادین را به تأکید بر صورت خاصی از کنش متقابل اجتماعی یعنی اجتماعی شدن، سوق داد. توانایی اندیشیدن انسان، در دوره اولیه اجتماعی شدن در کودکی پرورش می‌یابد و در دوره بعدی اجتماعی شدن در بزرگسالی تهذیب می‌شود. نظریه پردازان کنش متقابل نمادین از فراگرد اجتماعی شدن برداشتی متفاوت از ان بیشتر جامعه‌شناسان دیگر دارند. به نظر آنها جامعه‌شناسان متعارف احتمالاً اجتماعی شدن را صرفاً فراگردی می‌انگارند که انسان‌ها از طریق آن چیزهایی را یاد می‌گیرند که برای بقا در جامعه نیاز دارند (برای مثال فرهنگ و چشمداشت‌های نقش). اما از دیدگاه نظریه پردازان کنش متقابل نمادین، اجتماعی شدن فراگرد پویاتری به شمار می‌آید که به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا توانایی اندیشیدنشان را پرورش دهند و به شیوه‌های متمایز انسانی بیندیشند. وانگهی، به نظر آنها، اجتماعی شدن فراگرد یک طرفه‌ای نیست که طی آن کنشگر اطلاعاتی را دریافت کند، بلکه فراگرد پویاتری است که کنشگر از طریق آن اطلاعات بدست آمده را شکل می‌دهد و آن را با

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۳۱

نیازهای سازگار می‌کند» (ریترز، ۱۳۸۳: ۲۸۳-۲۸۲). کنش متقابل اجتماعی مفهوم اساسی در جامعه‌شناسی در زمینه شکل‌گیری شخصیت است. شخصیت محصول تعامل اجتماعی با دیگران است. «انتظارهای دیگران در جامعه شخصیت و وجدان فرد را شکل می‌دهد. وجدان محصول اجتماعی است» (کوزر، روزنبرگ: ۱۰۸).

«دیدگاه کنش متقابل نمادین، جامعه انسانی را پدیده‌ای شامل انسان‌های عمل‌کننده (فاعل) و حیات جامعه را مرکب از فعالیت‌های افراد می‌داند. واحدهای عامل ممکن است افراد باشند یا جماعتی که اعضای آن‌ها در تلاش مشترکی با هم عمل می‌کنند و یا سازمان‌هایی که از سوی هیأت مؤسس عمل می‌کند» (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۸۴-۲۸۳). «کنش متقابل یعنی اینکه افراد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و موجب ساختن عمل یکدیگر می‌گردند. کنش متقابل به منزله اعمال هر فرد در گذشت زمان مرتبط با یکدیگر در موقعیت خاص است. کنش متقابل صرفاً به منزله تأثیرپذیری از دیگران نیست، بلکه تأثیر و تأثر متقابل در جریان زمان و موقیت‌های گوناگون است. در این صورت یک عمل متحول در حال تغییر مطرح است، نه عمل ساده‌ای که در شرائط محیطی خاص تحقق می‌پذیرد» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۳۹). «نظریه کنش متقابل در ورزش با مسائل مربوط به معنی، هویت، روابط اجتماعی، و خرده فرهنگ‌ها در ورزش سروکار دارد. این رویکرد بر این عقیده استوار است که رفتار انسانی مستلزم انتخاب است و آن انتخاب بر مبنای تعریفی است که مردم در کنش متقابل با یکدیگر به آن شکل می‌دهند. براساس رویکرد کنش متقابل گرا، ما انسان‌ها صرفاً به صورت خودکار به محیط پیرامون پاسخ نمی‌دهیم. بلکه ما فعالانه درباره رفتارهایمان تصمیم‌گیری می‌کنیم. این تصمیم‌گیری مبتنی بر پیامدهایی است که ما فکر می‌کنیم این رفتارها برای زندگی ما، اطرافیان ما و دنیای اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم دارند. علاوه بر آن ما در کنش متقابل با دیگران هنجارها، نقش‌ها، روابط و ساختارهایی که جامعه را می‌سازند را خلق می‌کنیم. بر این اساس ما قادر هستیم که درک خودمان را گسترش دهیم و بفهمیم که چه کسی هستیم و چگونه با جهان اجتماعی ارتباط برقرار کنیم» (Coakley, 2001:38). نظریه پردازان کنش متقابل گرا معتقدند که فرد در جریان کنش متقابل، درگیر فرایند اجتماعی شدن می‌شود، فرایندی که براساس آن کنشگران توانایی خود را پرورش می‌دهند و فعالانه درگیر زندگی اجتماعی می‌شوند. طبق این دیدگاه اجتماعی شدن یک فراگرد یک طرفه نیست که جامعه برای بازتولید

خود، ارزش‌ها، هنجارها و الزاماتی را به فرد القا کند و فرد نیز بدون تفسیر و بازبینی آنها را بپذیرد. بلکه کنشگر خلاقانه در شکل‌گیری معانی و نیز تفسیر پیام‌هایی که از جهان پیرامون در پیافت می‌کند شرکت دارد. انسان‌ها لزوماً پذیرندگان و متأثران صرف از دنیای پیرامون نیستند، بلکه دائماً در کار تفسیر و خلق معانی جدید هستند. «از آنجا که اشکال گوناگون فعالیت‌های ورزشی دنیاهای نمادین هستند، لذا دنیای اجتماعی مناسبی جهت بررسی نظریه پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادین به شمار می‌آیند. معانی موجود در قلمرو ورزش ذاتی نیستند بلکه از طریق قواعد، قراردادهای و... توسط کنشگران خلق می‌شوند. همچنین ارزش‌های تیمی، هنجارها، تشریفات، تشویق‌ها، نشانه‌ها، علائم، بازی‌ها، واکنش‌های مربوط به پیروزی جملگی دلایل قانع‌کننده‌ای برای جلب توجه تحلیل‌گران کنش متقابل نمادین به این موضوع به شمار می‌آیند. در مجموع می‌توان گفت دیدگاه کنش متقابل نمادین به معانی خلق شده در عرصه ورزش‌های گروهی و اینکه این معانی چگونه بر ورزش اثر می‌گذارند، توجه دارد» (غلامی، ۱۳۸۱: ۴۰).

جمع بندی

از حوزه‌هایی که به لحاظ تنوع موضوعات از جایگاه قابل تأملی در میان پدیده‌های اجتماعی برخوردار است مسائل مربوط به ورزش است؛ چرا که بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی از قبیل اقتصاد، سیاست، بهداشت و سلامت و... مستقیم و غیر مستقیم با ورزش در ارتباط هستند. عمده‌ترین تأملاتی که حول محور ورزش و بصورت نظرات تخصصی و عقاید عامه مردم وجود داشته است، بررسی نقش ورزش در سلامت افراد جامعه است. این عقیده از دیرباز مورد توجه همگان قرار داشته که ورزش یکی از مهم‌ترین ارکان حفظ و توسعه سلامت جسم و روان است. لذا ورزش به لحاظ نقشی که در برقراری و افزایش سلامت انسان همواره مورد توجه بوده و مسائل پیرامون آن از سوی متخصصان دنبال شده است. مهم‌ترین مسئله مرتبط با بحث ورزش در حوزه جامعه‌شناسی شامل فرایند گسترش خشونت، انحرافات در ورزش، افتراق اجتماعی ورزش، نحوه ورود افراد به ورزش و... می‌باشند. در میان این دسته از مسائل توجه به این نکته ضروری است که افراد چگونه وارد دنیای ورزش می‌شوند و زمان و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی می‌کنند. این امر سبب شد جامعه‌شناسان توجه خود را به فرایندی معطوف کنند که منجر به ورود فعالانه فرد به عرصه ورزش می‌شود. از این رو جامعه‌شناسان ورزش

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۳۳

معتقدند عوامل متعددی از جمله وجود امکانات مناسب از قبیل مکان‌های ورزش، وقت، وسائل و تجهیزات، پول و... وجود توانایی و استعداد فردی و سرانجام عوامل مؤثر بر فرایند اجتماعی شدن بطور کلی در شکل‌گیری این فرایند مؤثر می‌باشند. با چنین نگاهی به ورزش وجود ورزشکار ذاتی و مادرزادی چهره‌ای کم رنگ می‌یابد و نگاه به ورزش به عنوان پدیده‌ای فردی جای خود را به نگاهی اجتماعی می‌دهد که مانند بسیاری دیگر از ابعاد زندگی اجتماعی دارای الگوهایی قابل شناخت و تغییر است. با پیدایش چنین رویکردی در مورد ورزش مباحث مختلفی پیرامون آن شکل می‌گیرد. آنچه بیش از همه توجه جامعه‌شناسان ورزش را به خود جلب می‌کند این مسئله است که کدام عوامل اجتماعی سبب می‌شوند که فرد ضمن دارا بودن استعداد و توانایی و در اختیار داشتن امکانات لازم ورزش را به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های متعدد خود در زندگی اجتماعی برگزیند. از این رو ذیل فرایند کلی جامعه‌پذیری مباحثی در قالب تخصصی مربوط به ورزش مطرح می‌شوند با عنوان جامعه‌پذیری ورزشی. مقصود از چنین عنوانی بررسی این موضوع است که چه عوامل اجتماعی در روی آوردن فرد به ورزش اثرگذار هستند. به عبارتی فرد تحت تأثیر چه عواملی به ورزش روی می‌آورد و الزامات آن را می‌پذیرد. منظور از الزامات مجموعه‌ای از خصوصیات و توانمندی‌هاست که فرد ضمن کسب آنها می‌تواند در عرصه ورزش باقی مانده و عنوان ورزشکار را از جانب خود و دیگران به همراه داشته باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۱)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرندیز.
- اختر شهر، علی (۱۳۸۶)، جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- اعزاز، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بیکر، ترز (۱۳۸۶)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران، نشرنی.
- ترنر، جان‌تان (۱۳۷۹)، جامعه‌پذیری، ترجمه محمد فولادی، نشریه معرفت، شماره ۳۰.
- تندنویس، فریدون (۱۳۸۰)، جایگاه ورزش در اوقات فراغت جوانان ۲۰-۲۵ ساله کشور، همایش اوقات فراغت و تفریحات سالم جوانان با تأکید بر ورزش و تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- روشه، گی (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) مقدمه بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
- شارون، جونل (۱۳۷۹) ده پرسش اساسی از دیدگاه جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- علاقه بند، علی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان.
- غلامی، محمدرضا (۱۳۸۱)، بررسی قشربندی و تحرک اجتماعی در ورزش با تأکید بر سه باشگاه سایپا، کشاورز و راه آهن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کرایب، یان (۱۳۸۵)، نظریه اجتماعی مدرن، عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
- کریمی، جواد (۱۳۶۴)، تگاهی به تاریخ تربیت بدنی جهان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- کوزر، لوئیس و برنارد رزنبرگ (۱۳۸۱)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- کوش، دنی (۱۳۸۱)، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران، سروش.
- کونن، بروس (۱۳۸۱)، مبانی جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌شناسی ورزشی ۱۳۵

مجدالدین، اکبر (۱۳۸۱)، بررسی ساختار ارزشی رزمندگان در دو مقطع قبل و بعد از جنگ با تأکید بر نحوه گذران اوقات فراغت، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مور، استفن (۱۳۷۶)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، مرتضی ثاقب فر، تهران، نشر ققنوس.
نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۹)، مبانی جامعه‌شناسی در ورزش، تهران، نشر بامداد کتاب.
نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات رایزن.

ب) منابع لاتین

Cashmore, Ernest(2000), **making sense of sport**, London, New York
Coakley, Jay(2001), **sport in society**, Boston,McgraHillRoutledge.
Denning, Eric(1999), **sport matters**, London.RoutledgeHall
Snyder,Eldon.E.(1978), **social aspects of sport**, Englwood cliffs,tice-Hall .